

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه ی ۱	زمان دقیقه	کلیت جلسه : بارز ترین ویژگی خدا	هدف : اهمیت بخشش
آشنایی اولیه	۵	ورود به کلاس و گفتگو با بچه ها برای ارتباط بیشتر (در صورت لزوم معرفی بچه ها)	
پیش زمینه پخش کردن کاغذ ها	۵	ما هر یک از دوستان و اعضای خانواده و نزدیکانمون رو به یه صفتی همیشه یادمونہ ... مثلا تو گوشیمون سیو میکنیم مامان مهربون یا باباجون یا داداش جونم یا اون رفیقی که همیشه باهای میگیم میخندین رو همیشه با این تو ذهنتونه که خیلی خوش اخلاقه یا برادرتون خیلی مهربونه بیاین با هم چند دقیقه فکر کنیم ببینم خدای خدمون ... کسی که ما رو بیشتر از خودمون دوست داره رو با چه صفتی میشناسیم ...؟ بیاین رو کاغذ بنویسین	
پخش کردن کاغذ ها	۵	انتظار برای پرکن و جمع آوری	
تاثیر گذاری آخر	۵	متن : ما همون میدونیم که روی شونه های ما ۲ فرشتن یکی برای ثبت کارهای بد یکی هم برای ثبت کارهای خوب ولی اونیه که داره کارهای بد رو ثبت میکنه هر چند وقت دفترچش پر میشه و هر چند وقت هم قبل از اینکه دفترچش پر بشه به دفترچه جدید برمیداره و دفترچه قبلیه رو میندازه دور ... بعضی از شبا بعضی از کارها بعضی از دیدن ها بعضی از درخواست ها باعث میشن کیلومتر شماره گناهان ما کلا بپره ... ولی هیچ وقت فرشته که داره کارهای خوب ما رو ثبت میکنه دفترچش پاک نمیشه ممکنه کم بشه ولی پاک نمیه که هیچ به اون اضافه هم میشه توی چه روزهای؟ توی همون روی های که دفترچه قبلیه سفید شده ... شاید توی ماه رمضان قبل از اذان این دعای که میاد و همه اسم های خدا رو صدا میزنه رو شنیده باشین ... به نظرتون چی توی همه اون اسم ها مشترکه؟! چه اسمیه که همه اسم ها ختم میشه به اون؟! اون اسم دقیقا چیزی که شما توی این برگه هاتون نوشتین (قبل از باز کردن برگه ها)	
جمع بندی نوشته های بچه ها	۵	کار (باز کردن و نوشتن همه کلمات که در کاغذ ها است در تخته و خواندن آن ها بلند) متن : (ربط دادن همه کلماتی که در صفات خداوند نوشتن در کاغذ به صفت بخشنده ...! (کلمات ممکن نوشتن : مهربان / بخشنده / سطار العیوب)) متن : ببین بچه ها همه صفاتی که ما میشناسیم از خداوند یا قبل از اذانه میشنویم همه و همه برمیگرده به کلمه بخشنده / بخشندگی ...! یعنی خدا کریمه ... هزار تا گناه هم که میکنیم آخریه راهی میزازه جلوی پامون که آخر میتونیم اون دفترچه بده رو پاک کنیم هرچقدر هم بد باشیم آخرش خدا برامون یه راهی میزازه ... این هیچی نیست جز بخشنده بودن ...! کریم بودن ...! حالا ما توی این چند جلسه که با هم هستیم میخوایم یاد بگیریم ما هم ببخشیم ...! ببخشیم ...!	

زمان	هدف : زیبایی بخشش	کلیت جلسه : بازی + تقسیم جایزه	جلسه ۲
۵	یک بازی را مطرح میکنیم که برای مثال برندگان مسابقه یک پنجم تعداد نفرات کلاس می باشد	طرح بازی	مرحله ۱
تا ۱۰	سپس جوایز را بین برندگان تقسیم مینماییم و به آن ها پیشنهاد میدهیم که میتوانند جایزه خود را میان دیگر افراد تقسیم نمایند (جوایز دقیقا به تعداد افراد کلاس میباشد)	تقسیم جوایز	مرحله ۲
۵	به برندگان پیشنهاد داده میشود که میتوانند جایزه خود را با بقیه کلاس تقسیم کنند (در یک کلاس ۲۵ نفره ۵ نفر بنده میشوند که به هر کدام از آن ها ۵ شکلات داده میشود) که در صورت تقسیم به کل کلاس به تعداد مساوی شکلات تقسیم میشود .	خوردن جوایز	مرحله ۳
تا ۱۰	بعد از قبول یا رد دانش آموزان که جایزه خود را با بقیه دانش آموزان تقسیم کنند (پیشنهاد معلم این است که این کار انجام شود و در و حتی در صورت روی در واپسی) بعد از اینکه همه جایزه ها به همه کلاس تقسیم شد و همهگی شکلات خود را میل کردند . از افرادی که جایزه خود را بقیه تقسیم کردند حس و حالشون که آیا از این که شکلات خود را با بقیه تقسیم کردند چه حسی داشتند ؟ آیا از اینکه شکلات خود را با بقیه تقسیم کردند خوشحال بودند و یا نه و اگر خوشحال بودند حس خود را بگویند .	گپ و گفت با بچه ها	مرحله ۴

جلسه ۳	زمان دقیقه	کلیت جلسه : دیدن فیلم	هدف : اینکه یادگیری بدون منت را ارائه دهیم
آمادی سازی جو کلاس	۲	با یادآوری جلسه قبل شرایط کلاس را برای موضوع بخشش بدون منت آماده می کند.	
پخش فیلم بیسکوئیت	۳	-	
گفتن داستان بیسکوئیت	۶	ربط دادن به بخشش بدون منت	
خواستن از بچه ها برای تعریف کردن داستان	۵	خط دهی که مادر روزانه در حال بخشش بدون منت است	
جمع بندی	۵	صحبت کردن با بچه ها	

زمان	هدف : اینکه می توان هر چیزی را به دیگری بخشید و بخشندگی تنها مادی نیست	کلیت جلسه : خاطره گویی و توجه به بچه ها	جلسه ۴
۵	از بچه ها می خواهیم تا یک نفر داوطلب شود تا یک خاطره ای رو برای بچه ها تعریف کنه کلاس که با دو معلم اداره میشود فرد داوطلب شده با یکی از معلم ها به بیرون از کلاس می رود. معلم سعی می کند تا زمان دانش آموز داوطلب شده را بگیرد تا آن یکی معلم با بچه ها صحبتی کند	انتخاب یکی از بچه ها	مرحله ۱
۵	معلمی که در کلاس با بچه هاست به آنها می گوید می خواهیم هنگام صحبت کردن دانش آموز حواس و نگاهشان را به صورت کامل به او ببخشند	صحبت معلم ۲ با بچه ها	مرحله ۲
۵	دانش آموز داوطلب وارد کلاس شده و وقتی می بیند همه ی دانش آموزان با توجه کامل و حداکثر احترام به او توجه می کنند با شوق بیشتری داستانش را ادامه میدهد تا تمام شود	تعریف کردن خاطره	مرحله ۳
تا ۱۰	معلمین حس و حال دانش آموز را می پرسند که وقتی بچه ها اینقدر خوب به او توجه کرده بودند چه تغییری در او ایجاد کرد و در ادامه با بچه ها صحبت می شود که با یک توجه کردن ساده که نه زمان و نه انرژی ویژه ای می خواهد اینگونه حس خوب را در همکلاسیشان ایجاد کرده اذتخ خعدن۹مند	گپ و گفت با بچه ها	مرحله ۴

جلسه ۵	کلیت جلسه : بخشیدن لبخند	هدف : نشان دادن هدف جلسه ی قبل در زندگی واقعی	زمان
مرحله ۱	تابلو	آوردن یک تابلوی با لبخند وارد شوید به کلاس و صحبت درباره ی آن با بچه ها (احتمالا بچه ها اون رو بی تأثیر و مزخرف تلقی می نمایند)	۱۰
مرحله ۲	داستان تلخ	معلم شروع می کند با جدیت کامل داستانی را تعریف کردن : یک بازیگر با درآمد بالا زندگی مفرح ماشین لوکس خونه ی ویلایی باغ شمال و و و یک روز تصمیم میگیره از خونه بره بیرون و بچرخه تو خیابونا شبش وقتی برمیگرده خودکشی می کنه (سکوت) قبلش توی اینستاگرامش یک متنی رو می نویسه که میگه من تصمیم گرفتم یک روز برم بیرون اگه یک کسی به من لبخند زد از ایده ی خودکشی میام بیرون ولی این آدم با اون جایگاه اجتماعی میره بیرون و حتی یک نفر به اون لبخند نمی زنه و شبش میاد خونه و خودکشی می کنه (و اگه کسی نظری داشت از بچه ها مطرح می کنه)	تا ۱۰
مرحله ۳	گفتگو	حتما بچه ها اگر نظر داشته باشند به گفتگو می پردازیم	

جلسه ۶	کلیت جلسه : گذشت	هدف : معرفی کردن گذشت با مثال ائمه	زمان
مرحله ۱	داستان مدرسه یا شرکت	فکر کنید شما در یک شرکت کار میکنید و یک نفر هست که بر علیه شما با بقیه همکاران شما صحبت میکند تا مدیر شرکت قانع شود تا شما را از شرکت اخراج کند و شما بی کار میشوید . فرض کنید این افتقا افتاده است و یک ساعت دیگر همگی در دفتر مدیر جمع میشوند تا در باره کار نکرده شما صحبت کنند و شما را به صورت نامردانه اخراج کنند که ناگهان اون کسی که همه آن حرف های الکی و دروغ را زده بود وارد دفتر شما میشود و از شما عذر خواهی میکند	
مرحله ۲	پرسیدن حال و هوای بچه ها و نظرشون	نظر شما چیست؟!	
مرحله ۳	شروع طوفانی داستان حر و امام حسین	حالا تو کربلا چپشده ؟ حر که هم از اول جنگ رو شروع کرده بود هم و جلوی امام حسین و زن و بچه های کاروان امام حسین رو گرفته بود و آب رو به روی امام حسین بسته بود و منتظر گذاشت امام حسین و کاروانشون رو ، کاروانی که حضرت زینب و یک عاملمه بچه توی کاروان بودند . همون حری که بعد از اینکه سپاه رسیدند و همه سپاه امام حسین علیه السلام شهید شدند شب آخر اومد پیش امام و شرمنده بود ولی امام حسین چه رفتار و برخوردی باهاش کردند ؟ امام حسین نگذاشتند ذره ای حر شرمنده باشه و عذر خواهیش رو پذیرفتند و گذاشتند که حر برگرده و در راه و سپاه امام حسین شهید بشه و بهشتی بشه	

داستان گوپی از ائمه